

در باره
وقایع اخیر سینه دانشجویی پاریس

www.iran-archive.com

راه "کارگر"

در راه

"توده"

بدنبال سلطنت طلبان و کشتگری ها ... این بار بخشی از رهبران و اعضای حزب توده تحت نام جدید "حزب دموکراتیک مردم ایران" سعی کردند وجود خود را به محل تجمع نیروهای مبارز مخالف رژیم در روزهای جمعه در سینه یونیورسیته تحمیل کنند. صرف این کوشش، در تحمیل خود به جمعیه که با اکثریت قاطع آراء مخالفت خود را با حضور آنها در سینه (در آن روز و ساعت مشخص!) و در کنار خود اعلام نمود، نشان دهنده آنست که اینان تا چه حد در عمل روش های غیر دموکراتیک گذشته شان را کنار نهاده اند!

انتقادات آنان به حزب توده و به گذشته خود نیز با انتقاد از خود - های تاریخی حزب توده تفاوت چندانی ندارد. به اعتراف خود آنان مبارزات درون حزبی شان در طی چند سالی که "حزب" رهنمود همکاری با رژیم و لودادن مخالفان به کمیته های اسلامی را می داد و عملی می ساخت، آغاز نگشت، بلکه طبق معمول: "مبارزات درون حزبی اساسا پس از شکست سیاست های حزب آغاز شد ... (اسناد و قطعاتی که ما در این کتاب از موسسات حزب دموکراتیک مردم ایران - بخش نخست صفحه ۱۱۹). یعنی تنها پس از آنکه رژیم قلع و قمع را تا جایی پیش برده بود که دیگر نیازی به همکاری آنان نداشت. و اگر هنوز چنین نیازی وجود داشت و بعبارتی اگر "سیاست های حزب" هنوز شکست نخورده بود، انتقادی هم در کار نبود! آنها سیاست های "حزب" را صرفا "برخوردهای اپورتونیستی و رفرمیستی" می خوانند و قاطع ترین انتقادات شان از حذاظها رات زیر فراتر نمی رود: "ما می دانیم، شما هم می دانید که همگی ما هر چند نا آگاهانه در انحرافات حزب در جریان انقلاب بهمن که تا سرحد خیانت به منافع مردم گسترش یافت کم و بیش سهم داشته ایم و باید در پیشگاه توده ها پا سگوباشیم" (همان منبع بخش دوم صفحه ۴۷). رهبران دیروزی حزب توده و بانیان امروزی "حزب دموکراتیک مردم ایران" البته در قبال خود فروتنی زیاد بی خرج می دهند! صفت نا آگاه برای هر گروه (!) و هر هوادار ساده و کم سابقه ای صدق کند، برای رهبران کاکشته حزب توده مصداق ندارد! اما

طبق این اعتراف و انتقاد "شدیداللعن" آنها فقط و فقط تا سرحدخیا ننت به منافع مردم پیش رفته اند! از نظر این "دموکراتهای نوع جدید"، دادن اطلاعات و مشخصات مبارزین مخالف رژیم به کمیته های اسلامی فقط سرحد خیانت است! شناسائی گروه ها و بعهده گرفتن با جویی در زندان اوین فقط سرحد خیانت است! همکاری موثر در سازماندهی تشکیلات سرکوب دولتی فقط سرحد خیانت است! شرکت در انجمن های اسلامی که وظیفه جاسوسی، تصفیه و اخراج مخالفان و زنان بی حجاب (بزعم آنان این "فرب خوردگان امپریالیزم") را بعهده داشت فقط سرحد خیانت است... و اگر "سیاست های" حزب شکست نخورده بود لابد تا کنون آنها به همراه حزبشان این سرحدات را نیز پشت سر گذاشته بودند!

در یک نکته اما، انصافاً این "ناآگاهان" توده ای حقدارند و آن هم اینکه باید در پیشگاه توده ها پاسخگو باشند! اما نه برای اتخا ذسیاست های "اپورتونیستی و فرمیستی" (بزعم اینان اپورتونیست و فرمیست را باید محاکمه کرد!)، و نه برای "ناآگاهی شان"، بلکه بخاطر همکاری عملی آگاهان نه شان در سرکوب مخالفین رژیم و حبس و شکنجه مخالفین و مبارزین (بعلاوه بطور می توان مدعی انتقاد به گذشته حزب توده و رفتن تا سر حدخیانت به منافع مردم شد، اما همچنان رهبران سابق را بعنوان رهبر پذیرفت!...؟ قدم اول هرا انتقاد واقعی، یک انتقاد عملی است که جز با معرفی مسببین آن سیاست ها و طرد تمام رهبران و مسوولان این گروه ضدانقلابی، و جز پس از طی دوره ای آزمایش در صحنه مبارزه واقعی هرگز نمی تواند جدی تلقی گردد. کارنامه جنایات حزب توده، اکثریت و... و همکاری عملی آنان با "برادران کمیته چپ و پاسدارشان" چیزی نیست که بتواند با صرف تغییر نام و ادعای مبتذل و روش هایی از این نوع، مورد چشم پوشی و فراموشی واقع شود. جنایات آنان در عمل انجام پذیرفته و هرا انتقادی نیز تنها و تنها در عمل مفهوم خواهد داشت!

اما تحمیل این عناصر در تجمع روزهای جمعه که منجر به ترک اکثریت نیروها گشت، صرفاً به دلیل حمایت فعال و چه بسا توافق قبلی راه کارگر صورت گرفت و این مسأله وجهت گیری خاصی که راه کارگر مدتی است بوضوح

درپیش گرفته ، شایسته بررسی بیشتری است !

* * *

سیاست اعلام شده^۶ راه‌کارگردرنزدیکی با گروه‌های طیف توده ای - گروه‌هایی که به همکاری عملی با دستگاه‌های سرکوب رژیم علیه جنبش توده‌های ستمدیده و علیه مبارزین دست زدند - سعی در شکستن بایکوت جمعی نیروها علیه آنان ، صرفاً با یک هدف انجام می‌گیرد : جایگزینی "مقام" رفیع حزب توده در ایران . بعبارتی حزب توده ، نه دشمن ، نه دوست بلکه رقیب راه‌کارگراست . تاریخ معاصر ایران و کارنامه عمل حزب توده ، اما ، بخوبی نشان می‌دهند که احراز چنین مقامی به چه بهایی بدست می‌آید . خیانت به جنبش‌های دموکراتیک و توده‌ای و خیانت به منافع کارگران و زحمتکشان ایران ! راه‌کارگردر این راه است که قدم می‌گذارد و در این راه است که ناچاراً باید تمام پرنسپ‌های دموکراتیک (انقلابی پیش - کش) را زیرپا نهد ! بدین طریق منطقی است که از نظر راه‌کارگر ، هر نوع انشعابی در حزب رقیب (بیخشد حزب توده) ، حتی انشعابی که بقول خود وی گویا راست‌تر از حزب توده (!؟) است ، از آنجا که موجب تضعیف رقیب می‌شود - و برای راه‌کارگران دلیل کافیست - باید مورد حمایت قرار گیرد ! این منطق ، ممکنست با منافع و اهداف فرقه‌ای راه‌کارگرجور درآید ، با هیچ پرنسپ دیگری لیکن سازگار نیست !

باقی دلایلی که راه‌کارگردر توجیه سیاست نزدیکی خود با طیف همکاران رژیم سرکوبگر عنوان می‌کند ، تنها هر با رتناقضات در ادعاهایش را آشکارتر می‌سازند ! دروغ ، تحریف و تناقض ، یا ران همیشگی یک سیاست اپورتونیستی اند و راه‌کارگربا زیرپا نهادن یک اصل حداقل دموکراتیک - یعنی مرزبندی با نیروهای سرکوبگر و همکاران آنان - در راه منافع فرقه‌ای اش ، همه این شیوه‌ها را از آن خود ساخته است !

یکی از عمده‌ترین روش‌های حزب توده ، کوشش همیشگی اش برای ایجاد انشعاب در جنبش مبارزاتی بر اساس موضع موافق و یا مخالف دواست شوری بوده است . مخالفین با هر کارنامه عمل مبارزاتی ، از نظر آنان "ارتجاعی" ، و در "صف بورژوازی" هستند ! و موافقین نیز با هر کارنامه عملی جزئی از صف انقلابند ! راه‌کارگرنیز در بحث‌های شفاهی و نوشته^۶

اخیرش در مورد وقایع سیته تحت عنوان "اطلاعیه" تحریم، شکست سیا ست
تشنج آفرینی" (۵ می ۱۹۸۸)، با اتکاء به همین روش سعی در تلقین این
دارد که گویا تنها چند گروه خاص با ما هیت ضدشوروی (!)، "تجمع دیرینه
نیروهای مخالف رژیم ج -- ا و نظام سلطنت را در روزهای جمعه تحریم
کردند!".

راه کارگر به عمد دروغ می گوید! اولاً، تغییر روزهای تجمع به شنبه -
ها، نه با تصمیم چند گروه، بلکه با تصمیم تمامی نیروهای مخالف حضور
توده ای ها (بجز ارشاد) و در حضور عده ای از ایرانیان مبارز غیرتشکیلاتی
گرفته شد. یعنی همان نیروهای که علی رغم تمام اختلافاتشان، سه جمعه
متوالی در اعتراض به حضور توده ای ها در سینه میز نشریات خود را جمع
کردند (و "افتخار" بر راه کارگر که در بین این نیروها نبود!)، بعلاوه
تمامی این نیروها مخالف "اردوگاه" راه کارگر نیستند. (مگر این که
راه کارگر نقداً انحصار دفاع از "اردوگاه" را نیز کسب کرده است). این
تحریف کودکانه راه کارگر و سیاست "غیرسکتاریستی" وی مبنی بر نادیده
گرفتن سایر نیروها، چیزی نیست جز تاکتیک قدیمی و شناخته شده حسرت
توده برای تفرقه و انشعاب در صفوف نیروهای مبارز بر اساس نزدیکی و
دوری به "اردوگاه" و بدین وسیله گردوغبار پاشاندن روی موضوع اصلی
مورد بحث یعنی با یکوت قاطع و همگانی علیه نیروهای همکار رژیم!

راه کارگر پس از اتخاذ سیاست جایگزینی اش با حزب توده و پس از
پذیرش سه نفر از رهبران "ناآگاه" حزب توده در سازمان خود، به کشف
جدید دیگری نیز نایل آمده است: "همه میدانند که نیروهای حاضر در سینه
جملگی دمکرات و انقلابی نیستند و اساساً حضور در سینه به هیچ وجه به معنای
همکاری و هم صف شدن نیروهای گوناگون سیاسی (و بعضاً با ماهیتی کاملاً
متناقض) نیست. سینه محلی برای اجتماع و تبلیغ آزادانه است و ترکیب
نیروهای شرکت کننده در آن قبل از آنکه نتیجه توافقی نیروهای سیاسی
حاضر در آن محل باشد، بازتاب تحولات بزرگ سیاسی در کشور ما بوده است"
(از اطلاعیه تحریم، ...). شایده راه کارگر مواضع قبلی خود را پس گرفته
باشد (البته بطور "ضمنی")، اما شایدهم صرفاً دچار کم حافظگی شده باشد،